

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی  
۰۷ اگست ۲۰۱۶

## امام زمان با «بشقاب پرنده» در حال گشت و گذار در آسمان است!

قصه ظهور «مهدی موعود» از مسایلی است که در اسلام نسبت به آن به شدت تأکید شده و به ادعای کاذب و دروغین روحانیون، خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانروای زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه‌ای در تمام طول تاریخ تاکنون اتفاق نیفتاده و بعد از این نیز اتفاق نخواهد افتاد. خداوندی که خود به شدت زیر علامت سؤال است. چرا که واقعیت ندارد!

بسیاری از روایات، مشخص کردن زمان ظهور یا تعیین محدوده زمانی برای مهدی به شدت مخالفت کرده‌اند. زیرا این موضوع در زمره اسرار «الهی» است و کسی آن را نمی‌داند. به عبارت دیگر، بسیاری از مبلغان امام زمان خودشان نیز می‌دانند که ادعایشان در این باره پوچ و بی‌معنی است. اما طرح مداوم قصه ظهور امام زمان برای روحانیون، چندان هم خشک و خالی نبوده و بسیار هم آب و نان دار است!

بین آخوندها، به ویژه «متخصصین امام زمان‌شناسی» این اختلاف وجود دارد که آیا نهی ائمه از ذکر نام مخصوص امام زمان یک اقدام سیاسی مقطعی و مربوط به دوران غیبت صغری بوده یا این که حرمت ذکر نام آن حضرت تا هنگام ظهور و قیامش باقی است؟ در میان علمای شیعه مورد اختلاف است. از جمله القاب آن حضرت؛ حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان، بقیه الله است و مشهورترین آن‌ها مهدی است. بنابراین، حتی نام امام زمان نیز مانند غیبت خودش پر از رمز و راز آخوندی است. به عبارت دیگر، چنین موجودی واقعیت داشته یا نه، مورد مناقشه و بحث اصلی نیست، بلکه بحث بر سر این داستان ساختگی، یعنی غیبت صدها ساله او و ظهورش است. ادعاهایی که با هیچ عقل و منطق و علمی جور در نمی‌آید.

\*\*\*

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، روز جمعه ۲۹ جولای (۱) به نقل از روحانی سرشناس شیعه ایرانی «ناصر مکارم شیرازی» نوشت که مهدی منتظر امام دوازده شیعیان که به اعتقاد آنان در غیبت کبری به سر می‌برد با وسیله مدرنی همچون بشقاب پرنده در آسمان پرواز می‌کند. این «مرجع تقلید» ساکن قم، در بخشی از پاسخ خود گفت: امام دوازدهم بر «بیک وسیله مافوق مدرن» که «شاید شباهت‌هایی با بشقاب‌پرنده‌ها داشته باشد» سوار می‌شود و «دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد».

به‌نوشته سایت تقاطع، «مکارم» در تفسیری از یک روایت منتسب به «باقر»، امام پنجم شیعیان مبنی بر این‌که «مهدی» با یک «وسیله سرکش» مانند «ابر» در آسمان‌ها حرکت می‌کند، گفته: «مسلماً منظور، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آن‌ها سفر فضائی کرد؛ آن‌ها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند؛ بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع‌السیری است که در آسمان به‌صورت توده‌ای فشرده از ابر به‌نظر می‌رسد، غرشی همانند رعد، و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد و به‌هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد و همچنان به‌پیش می‌رود و می‌تواند به‌هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند».

بنا به‌گزارش تقاطع، این «مرجع تقلید» اضافه می‌کند: «یک وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن را در وسایل کنونی نداریم؛ تنها در میان بشقاب‌های پرنده و وسایل سریع و سرسام‌آور فضائی که امروز داستان‌هایی از آن بر سر زبان‌ها است و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و عملی دارد، شاید شباهت داشته باشد؛ ولی به هر صورت بشقاب‌پرنده هم نیست».

وی همچنین در تفسیر خود از روایتی دیگر منسوب به «صادق»، امام ششم شیعیان نوشته است: «در عصر قیام مهدی یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به‌وجود می‌آید که شاید تصور آن هم امروز برای ما مشکل باشد؛ آن‌چنان که تمام جهان به‌منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین‌ها مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد. بدیهی است بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی بر تمام کوه زمین، حکومت واحد جهانی و صلح و امنیت و عدالت، به‌گونه همه‌جانبه و سریع و جدی امکان‌پذیر نخواهد بود و خداوند این وسیله را در اختیار او و تشکیلات حکومتش قرار می‌دهد».

به‌این ترتیب، امام زمان هم با گذر زمان تکامل پیدا کرده و مدرن‌تر شده است. در حالی که به‌گفته «باقر»، امام پنجم شیعیان، «مهدی» با یک «وسیله سرکش» مانند «ابر» در آسمان‌ها حرکت می‌کند؛ اکنون با بشقاب پرنده مدرن و در حال فضاوردی، کره زمین را تحت کنترل خود دارد؟!!

واقعا آیت‌الله‌های ما، در همه علوم و فنون کره زمین، آسمان‌ها، دریاها و همچنین این دنیا و آن دنیا، فوق تخصص دارند. واقعا سناریونویس‌های خبره‌ای هستند. سناریوهائی که توسط سینماگران به‌ویژه هالیوودنشینان می‌توانند از روی این سناریوها، فیلم‌های تخیلی آن‌چنانی بسازند که دست هاری پاتر نویسان را ببندند. (هری با دامبلدور صحبت می‌کند و محتوای پیش‌گوئی را می‌فهمد. پیش‌گوئی که توسط پروفیسور تریلانی، استاد پیش‌گوئی مدرسه جادوگری اتفاق افتاده از این قرار است که: «کسی از راه می‌رسد که قدرتمند و می‌تونه لرد سیاه رو شکست بده... از کسانی زاده می‌شه که سه بار در برابرش ایستادگی کردن و وقتی هفتمین ماه (ژوئیه) می‌میره به‌دنیا می‌آد... و لرد سیاه با نشونی اونو حریف خودش معرفی می‌کنه، اما اون قدرتی داره که لرد سیاه ازش بی‌بهره‌ست... و یکی از اونا باید به‌دست دیگری کشته بشه چون یکی شون باید بمیره تا دیگری زنده بمونه». هری به‌خانه می‌رود تا در آرامش با این مسأله بزرگ کنار بیاید که تنها کسی که می‌تواند بزرگ‌ترین جادوگر سیاه هزاره اخیر را از بین ببرد خود اوست.) بنابراین، طلبه‌خانه‌های ما نیز همانند مدرسه جادوگری‌ست که هری در آن‌جا، جادوگری و پیش‌گوئی یاد گرفته است. قدرت تخیل آیت‌الله‌های ما، فوق‌العاده بالا و غیرقابل تصور است. هنگامی که امام جمعه‌ها زنان «بدحجاب» را عامل وقوع زلزله، فقر و... می‌دانند و آن‌ها را پیاده نظام دشمنان اسلام و امام زمان و...، امپریالیسم و صهیونیسم معرفی می‌کنند چرا امام زمان‌شان سوار با بشقاب پرنده مدرن نکنند؟! چرا باید جامعه نسبت به‌گفته‌ها و ادعاهای «مراجع تقلید» شک و تردید پیدا کنند؟ مگر آن‌ها «دانشمندان» نه تنها این دنیا، بلکه آن دنیا، یعنی دنیای پس از مرگ هم که هیچ‌کس غیر از آن‌ها خبر ندارد، نیستند؟

بنابراین، چرا نباید آن‌ها از تمامی رفاهیات و هستی‌های دنیا برخوردار گردند و دست به‌سیاه و سفید نزنند مگر سخنرانی‌های قهار و آن‌چنانی آن‌ها، جامعه را ارشاد نمی‌کند؟ سرانجام آخوندها و همه حکومت‌ها و گروه‌های مذهبی از حکومت‌های اسلامی ایران، عربستان، ترکیه تا گروه‌های تروریستی اسلامی چون طالبان، القاعده، بوکی حرام، داعش، جبهه النصره و... می‌توانند کارهایی انجام دهند که دیدن و شنیدن آن لرزه به‌تن انسان می‌اندازد: سرکوب سیستماتیک زنان و اسید پاشیدن به‌صورت آن‌ها توسط حزب الهی‌ها، ترور مخالفین، اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، اعدام‌های خیابانی، تجاوز به‌زندانیان، شلاق‌زدن انسان‌ها، درآوردن چشم در مقابل چشم، بریدن دست و پا، بریدن سر روزنامه‌نگاران، آموزش نظامی به‌کودکان و استفاده ابزاری از این کودکان در جهت اهداف وحشیانه‌شان، بمب‌گذاری و عملیات انتحاری صرفاً با هدف کشتن انسان‌های بی‌گناه و آفریدن رعب و وحشت، صیغه، چند همسری، دزدی و غارت؛ خالی کردن جیب مردم با گرفتن خمس و زکات، مال امام و غیره.

\*\*\*

رسانه‌های حکومت در جریان اعتراضات ۱۸ تیر [سرطان]، نوشته‌اند که «آقازاده مقام معظم رهبری با مرحوم آقای بهجت» دیداری داشتند که مرحوم آیت‌الله بروجردی هم در آن جلسه حضور داشتند. آیت‌الله بهجت به‌آقازاده رهبر انقلاب فرمودند: به‌پدر سلام برسانید و بگوئید محکم در جای خودش بنشینید، دشمنان می‌خواهند پدر شما را از جایگاهش بلند و ضربه‌های سنگینی را به‌نظام وارد کنند.

طبق همین گزارشات، منبع «موثقی» از آیت‌الله بهجت نقل کردند که ایشان در خواب دیدند که حضرت امام زمان (عج) در مجلسی حضور داشتند، علمای بزرگ اسلام هم در خدمت آقا امام زمان (عج) بودند، آیت‌الله خامنه‌ای وارد شدند و امام زمان (عج) جلوی پای ایشان تمام‌قد بلند شدند و برای ایشان جایی برای نشستن باز کردند. در خواب یا مکاشفه‌ای ایشان خطری را نسبت به‌انقلاب پیش‌بینی کرده بودند و به‌مقام معظم رهبری پیغام دادند که خطری را نسبت به‌انقلاب پیش‌بینی کرده‌اند و توصیه صدقه و دعا‌های خاص را به‌ایشان کردند و فرمودند: آنچه از من ساخته بود نیز انجام دادم.» (۲)

آیت‌الله مهدی احدی، طی یک سخنرانی در شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۳، ضمن بیان نکات جالب توجه، به‌بازگویی بخشی از سخنان آیت‌الله کاظمی صدیقی در حضور خامنه‌ای پرداخت.

آیت‌الله احدی که از شاگردان آیات عظام محمدتقی بهجت، رضا بهاء‌الدینی، میرزا هاشم آملی، سیدمحمد رضا گلپایگانی، فاضل لنکرانی، علامه افغانی، اشتهاوردی و آیت‌الله‌های کنونی حوزه یعنی علامه انصاری شیرازی، علامه حسن‌زاده آملی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و سیدمحمد هاشمی شاهرودی است، در سخنان خود که به‌بازنشری از بیانات آیت‌الله صدیقی در مراسم «بیت رهبری» بود، به‌دعای «مستجاب آیت‌الله بهاء‌الدینی و تشریف امام خامنه‌ای به‌محضر امام زمان (عج)» اشارات صریحی کرد.

بخشی از سخنان این مدرس حوزه علمیه قم، بدین شرح است:

«مطلبی را به‌شما عرض می‌کنم شاید نشنیده باشید. جناب آقای صدیقی شب فاطمیه روی منبر در بیت ایشان (بیت رهبری) که آقای رئیس‌جمهور نشسته بود، آقای هاشمی بود، سران مملکتی بودند، قوه قضائیه، همه بودند. آقای صدیقی روی منبر این مطلب را گفت و آن را نتوانست تمام کند، همین که خواست تمام کند فریاد گریه جمعیت و حضار بلند شد. دیدند این جمعیت به‌سوی آقا دارند حمله می‌کنند که به‌عنوان تبرک به‌ایشان دست بزنند، آقا را بردند و دیگر نتوانستند جمعیت را اداره کنند.»

... حالا جالب این است که حضار دارند به‌آقای صدیقی توجه می‌کنند، از اعیان شخصیتی مملکت و هم آقایانی که شرکت‌کننده بودند، ایشان هم با ضرس قاطع دارد مطلب را می‌گوید.

گفت: من رفته مدینه همین کار را انجام دادم، بعد از این رفته مکه دیدم از بلندگو صدا می‌زنند: آقای صدیقی دوباره بروند مدینه، من دوباره رفته مدینه. چند روزی مدینه ماندم، وقتی برگشتم به‌ایران یک عمامه‌ای خریده بودم رفته محضر حاج آقا، رسیدم، تا سلام علیک کردم بدون این که حرفی بزنم، حاج آقا بهاء‌الدینی فرمودند: می‌دانی ثمره ذکر امسال چه بود؟

گفتم: نه!

گفت: می‌دانی ثمره ذکر امسال چه بود، نگرفتی؟

گفتم: نه!

فرمود: امسال ثمره ذکر شما یکی این بود که شما دو بار آمدید مدینه!

گفتم: شما مطلعید من دو بار امسال آمدم مدینه؟

گفت: بله آن‌جائی که نشسته بودید ذکر می‌گفتید، در آن‌جا با تو بودم.

این نوارش در بیت آقا هست، دم در که می‌فروشد، نوار سه سال قبل فاطمیه؛ بعد برگشت و گفت: ثمره دوم این‌جا بود، که تا گفت مجلس به‌هم پاشید، این‌قدر مردم به‌خودشان زدند و گریه کردند که آقا تشریف بردند؛ دیدند که دیگر نمی‌شود جمعیت را اداره کرد.

فرمودند: ثمره دوم این بود که آن نیتی که من می‌خواستم، به‌آن نیت رسیدم و آن این بود که امسال مقام معظم رهبری به‌دیدار امام زمان نائل آمد.»

«آقای صدیقی به‌حضرت آیت‌الله بهاء‌الدین گفت، آقا من سفر حج را در پیش دارم شما سفارشی، دعائی، درخواستی ندارید و آقای بهاء‌الدین فرمودند: من یک دعائی دارم؛ در کوچه بنی‌هاشم همان‌جائی که مادرم حضرت فاطمه را سبلی زدند شما بروید و از خدا بخواهید که دعای من مستجاب شود، همین. و من به مدینه رفته.

اما سفارش آقا را فراموش کردم و در مکه بودم که یادم آمد آقا سفارش دعا داشته‌اند دوباره به‌مدینه برگشتم و دعا کردم که خدایا دعای آقای بهاء‌الدین مستجاب شود (از این مسأله فقط خود خبر داشتم) وقتی به‌قم آمدم و خدمت آقا شرفیاب شدم آقا فرمودند، حالا دیگر سفارش من را در مدینه فراموش می‌کنی و به‌مکه می‌روی و برمی‌گردی...!

من هم عذر خواستم و حسابی شرم‌زده شدم و بعد به‌آقا گفتم، آقا دعایتان مستجاب شد. گفتند: بله، خدا را شکر دعای من مستجاب شد.

بعد گفتم آقا لطف بفرمائید که اگر مانعی ندارد مضمون دعائی که داشتید را بیان کنید، آقا نپذیرفتند و من خیلی سماجت کردم و بالاخره آقا فرمودند: من دعائی کردم که آیت‌الله خامنه‌ای خدمت حضرت امام زمان (عج) برسند که خدا را شکر این دعا مستجاب شد و آقا سیدعلی آقا خدمت ولی عصر رسیدند.»

پایگاه صالحات-حجت‌الاسلام و المسلمین غلامرضا قاسمیان از اساتید حوزه و دانشگاه:

«... این ماجرا را من از آقای صدیقی نقل قول می‌کنم.

در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، آقا با آقای بهاء‌الدینی (ره) ارتباطی نداشت. آقای فاطمی‌نیا رابط آشنائی شدند و رابطه آقا و آقای بهاء‌الدینی خیلی نزدیک شد.

بعد از رهبری مقام معظم رهبری، آقای بهاء‌الدینی کسالتی پیدا کرده بودند و بیمارستان هم نمی‌رفتند.

آقای خامنه‌ای به‌آقای فاطمی‌نیا گفته بودند که به‌آقای بهاء‌الدینی بفرمائید که حتما دکتر بروند و اگر هزینه‌ای هم دارد بدهید.

بالاخره به‌آقای بهاء‌الدینی گفتند که آقا گفتند شما حتما بیمارستان بروید.

خلاصه به‌خاطر دستور آقا، ایشان می‌آیند تهران بیمارستان خاتم و مدتی بستری می‌شوند برای معالجه.

این را آقای صدیقی می‌گفت، می‌گفت من رفتم عیادت‌شان و به‌آقای بهاء‌الدینی گفتم آقا حال‌تان بعد از عمل چه‌طور است؟

آیت‌الله بهاء‌الدینی گفتند: الحمد لله! الحمد لله! ما به‌حرف این سید(آیت‌الله خامنه‌ای) گوش کردیم، آمدیم بیمارستان، آقا(امام) زمان آمد ملاقات ما.

این است، یعنی این مقدار گوش کردن به‌حرف، تأثیرات داره، آقا راضی می‌شود. این نائب است. به‌هر مبنائی بگیرید».

کتاب «آیا ظهور امام زمان نزدیک است؟»:

۱- در کتاب «آیا ظهور امام زمان نزدیک است» آمده است که در قبال علائم قبل از ظهور می‌توان اشاره به‌رهبری معظم نمود. در این خصوص جای آن دارد که اشاره به‌سخن بزرگی از بزرگان حق و حقیقت کنیم که در ماه رمضان طی تماسی که با ایشان داشتیم فرمودند: ایشان(مقام معظم رهبری) را فرد صالح و منتظر واقعی امام عصر(عج) دانستند و در یک بیان(که این عین کلام را نمی‌شود عنوان کرد) به‌مظلومیت ایشان اشاره مستقیم نمودند. نکته جالب این که این سیدجلیل‌القدر خراسانی وظیفه بسیار مهم و حساس در قبال ظهور بر عهده دارند که این وظیفه از اسرار است و قابل ذکر نیست و جمع کسانی که مخلصانه به‌امام عصر(عج) عشق می‌ورزند نسبت به‌ایشان ارادت خاص دارند.(منبع: آیا ظهور امام زمان نزدیک است؟(۴)

حضرت آیت‌الله مشکینی(ره):

۱- حضرت مستطاب آیت‌الله حاج سیدعلی خامنه‌ای(مد ظله‌العالی) واجد مقام فقاها و اجتهاد و قدرت استنباط احکام شرعیه که تصدی مقام معظم رهبری بدان نیازمند است، می‌باشند. چنانچه معظم له حائز سایر شرایط ولایت امت و رهبری جامعه مسلمین نیز به‌نحو اوفی می‌باشند و این امر را خبرگان محترم رهبری از روی درایت و اطلاع خود و استفاده از بیانات و تأییدات رهبر عظیم‌الشان راحل امام خمینی قدس الله سره در مواقع متعدده، تأیید و تصویب نموده‌اند.

آیت‌الله مهدوی کنی:

۱- این الهامی بود از الهامات الهی و هدایتی بود از هدایت معنوی روح حضرت امام(رضوان الله علیه) که هنوز این ملت را رها نکرده و این رحمتی بود از طرف خداوند که در کوران این مصیبت جانکاه، با تعیین آیت‌الله خامنه‌ای که از یاران صدیق امام و از یاران خوشنام و خوش سابقه بوده و مجتهد و عادل است، به‌عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، آرامشی توأم با اعتماد و اطمینان بر کشور و امت فداکار حاکم گردید.(۵)

آیت‌الله مصباح یزدی:

۲- از بزرگترین نعمت‌های الهی که خدا برای مسلمانان بعد از غیبت امام زمان(عج) مرحمت کرده وجود مقدس رهبر معظم انقلاب است... باید در پیشگاه عظمت الهی سر به‌خاک بگذاریم و طول عمر بیش‌تر برای رهبر معظم انقلاب را درخواست کنیم.

\*\*\*

به گزارش خبرگزاری اهل بیت «ابنا»؛ ظهور منجی موعود یک اعتقاد عمومی در تمامی ادیان است. کتاب‌های مقدس آسمانی، چه آن‌ها که بخشی یا تمام آن‌ها وجود دارد و چه آن‌ها که منقولاتی از آنان در کتاب‌های دیگر آمده است، بشارت داده‌اند که جهان در سیطره ظلم و فساد نمی‌ماند؛ بلکه جماعت صالحان به امامت «رهبر موعود» عدل و داد را در گیتی حاکم خواهند کرد.

ریشه دار بودن اعتقاد به مهدی و منجی، موجب آماده بودن مردم اعصار گوناگون برای پذیرش و تبعیت وی شده و می‌شود. از همین رو، این مفهوم موجب سوءاستفاده فریبکاران و شیادانی شده است که در طول تاریخ با ادعاهای دروغین، خود را مهدی یا از یاران او معرفی کردند تا از رهگذر عقیده پاک مردم به نیات آلوده خویش دست یابند. اتفاقاً بسیاری از این مدعیان، در نقشه خود موفق شده و به مقصود خود رسیده‌اند؛ چه مدعیان کوچکی که اهداف مالی و رمالی داشته‌اند، و چه مدعیان بزرگی که توانستند با این ادعا حکومت‌های عریض و طویل یا مذاهب منحرف دیرپا و گسترده‌ای برای خویش دست و پا کنند.

در واکنش به این‌گونه اقدامات، خبرگزاری اهل بیت (ع) -ابنا- در پایان هر هفته سلسله مطالبی متقن و مستدل در باب مهدویت با عنوان «در انتظار منجی»، تولید و منتشر خواهد کرد؛ تا هم عرض ارادتی باشد به محضر امام زمان حضرت حجة بن الحسن المهدی (عج) و هم گامی باشد برای روشن‌گری درباره مسأله مهدویت در عصر هجوم غبارها و فتنه‌ها.

میهمان این هفته خوانندگان «ابنا» حجت‌الاسلام و المسلمین نصرالله آیتی» عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) است.

ابنا: علائم ظهور امام زمان (عج) چند نوع هستند؟

- بسم الله الرحمن الرحيم. نشانه‌های ظهور از ابعاد مختلف مثل نشانه‌های آسمانی، زمینی یا نشانه‌های عادی و اعجاز آمیز و... تقسیمات مختلفی شده‌اند. اما آن تقسیم‌بندی نشانه‌های ظهور که ریشه در روایات دارد و اهل بیت (ع) آن را فرموده‌اند تقسیم نشانه‌ها به حتمی و غیر حتمی است.

ابنا: علائم حتمی ظهور امام زمان (عج) کدام‌ها هستند؟

علائم حتمی نشانه‌هایی است که حتماً پیش از ظهور اتفاق خواهد افتاد و علائم غیر محتوم نشانه‌هایی است که انمه (ع) علی‌رغم این که به عنوان نشانه‌ها از آن یاد کرده‌اند ولی بسته به علل، عوامل، شرایط و زمینه‌هایی است که اگر آن علل و زمینه‌ها محقق شود این علائم تحقق خواهد یافت و الا نه.

پنج نشانه محتوم داریم که هم در روایات از آن‌ها به عنوان نشانه‌های محتوم یاد شده و هم در لسان اهل علم نیز متداول است: اول «خروج سفیانی»، دوم «خروج یمانی»، سوم «صیحه آسمانی»، چهارم «خسف بیداء» و پنجم «کشته شدن نفس زکیه». این‌ها از علائم حتمی ظهور هستند.

ابنا: لطفاً درباره هر کدام از اینها توضیح دهید!

- اولین نشانه حتمی، خروج سفیانی است. سفیانی فرمانده مهم‌ترین جبهه‌ای است که بر علیه امام مهدی (عج) تشکیل می‌شود و در روایات زیادی از او و حوادث مربوط به او گفتگو شده است. خسف بیداء هم به فرو رفتن یکی از لشکرهای سفیانی در منطقه بیداء که بین مکه و مدینه است، اشاره دارد.

کشته شدن نفس زکیه به معنای این است که انسانی بی‌گناه یا انسانی با شخصیتی برجسته و کسی که به لحاظ اجتماعی موقعیت بزرگی دارد بسته به این که نفس زکیه را چه معنا کنیم- بین رکن و مقام ۱۵ شب پیش از ظهور حجت (عج)

کشته می‌شود. و از فحواى روایات استفاده می‌شود که کشته‌شدن این شخص در دنیا موج و سر و صدائی ایجاد می‌کند چرا که حادثه محدودی که کسی از آن اطلاعی پیدا نکند وجهی ندارد که نشانه حتمی ظهور باشد. بنده معتقدم محتوم بودن خروج یمانی قابل اثبات نیست. مقاله‌ای از بنده منتشر شده به‌نام «یمانی؛ درفش هدایت» که در اولین شماره مشرق موعود چاپ شده است. بنده در آنجا آورده‌ام که حتمی بودن یمانی قابل اثبات نیست و مشکلاتی دارد. اما در لسان عوام و خواص معروف است که یمانی را هم از نشانه‌های محتوم یاد می‌کنند. این ۵ نشانه، نشانه‌های حتمی ظهور است و سایر نشانه‌ها از اتفاقات غیر محتوم است که احتمال رخ دادن یا رخ ندادن آن‌ها وجود دارد. و تفصیلات و ابعاد و جزئیاتی که مربوط به هر کدام از این‌هاست بحث‌های خاص دارد.

...

ابنا: دجال چطور؟ آیا اهل سنت دجال را جزء علائم ظهور می‌دانند یا نه؟

- اهل سنت از دجال نه به‌عنوان علائم ظهور بلکه به‌عنوان رخداد‌های پیش از قیامت یاد می‌کنند. البته در اهل سنت بحث دجال خیلی مفصل است یعنی به‌اندازه‌ای که در شیعه از سفیانی به‌تفصیل گفتگو شده است آن‌ها در قبال آن از دجال گفتگو کرده‌اند و در منابع ما خیلی از دجال صحبت نشده است.

...

ابنا: آیا تطبیق علائم ظهور با جریان‌ها، حوادث، گروه‌ها و اشخاص درست است؟

- تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خارجی از مسائل خیلی حساس و مهم است چون زمانی که فلان نشانه را بر فلان مصادیق تطبیق می‌کنیم مردم را مژده می‌دهیم که ظهور نزدیک است. چون گاهی فاصله زمانی برخی از نشانه‌ها و ظهور، در روایات مشخص شده است. در حدیث معتبری از امام صادق (ع) آمده است که خروج سفیانی در ماه رجب است یعنی شش ماه قبل از این که آن حضرت ظهور کند سفیانی می‌آید. روایات معتبر داریم که نفس زکیه ۱۵ شب قبل از ظهور حضرت کشته می‌شود. یا صیحه آسمانی در ماه رمضان است که ماه محرم آن ظهور اتفاق می‌افتد. خب اگر من بخواهم دست روی شخصیتی بگذارم و بگویم این آقا سفیانی است به‌التزام ادعا می‌کنم که شش ماه دیگر امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد. این حرف خیلی بزرگی است. این که می‌گویم مهم است یعنی این که باید حواس‌مان باشد که تطبیق‌ها منجر به‌تعیین زمان ظهور می‌شود.

نکته دیگر این است که زمانی که ما روایات را بر مصادیق تطبیق می‌کنیم و به‌عنوان مثال می‌گوئیم: «این آقا سفیانی است» یعنی ایها الناس؛ آنچه که پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و امام صادق (ع) فرمود که قبل از ظهور امام زمان (عج) یک سفیانی می‌آید، این آقا، همانی است که ائمه (ع) فرموده‌اند. و ما داریم به‌ائمه (ع) چیزی را نسبت می‌دهیم....

\*\*\*

گزیده‌ای از سخنرانی آیت‌الله ناصری، با موضوع جایگاه برجسته ایرانیان در نگاه اهل بیت (ع):

لحظاتی که امروز در خدمت‌تان هستم چند جمله‌ای راجع به‌جوان‌های ایرانی که زمینه‌ساز ظهور حضرت بقیه‌الله هستند صحبت می‌کنم. دلیل بر این مدعی که جوان‌های ایرانی زمینه‌ساز ظهور حضرت بقیه‌الله هستند آیات متعدد قرآن و روایات متعددی است که از نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده است. این روایات را هم اهل سنت نقل کرده‌اند و هم علمای شیعه. یکی از این آیات، آیه ۳۸ از سوره محمد (ص) است که می‌فرماید: «و ان تتولوا یستبدل قوما غیرکم». مضمون آیه این است: اگر شما پشت کردید، منحرف شدید و احکام اسلام را پشت سر انداختید یک عده در آخرالزمان می‌آیند و به این احکام و ضوابط الهی عمل می‌کنند. «و ان تتولوا» اگر شما به‌اسلام و قرآن و نبی اکرم و ولایت پشت

کردید «یستبدل قوما خیرکم» بدل آورده می‌شود عوض شما یک عده‌ای غیر شما که آن‌ها هم در همین منظومه زندگی می‌کنند.

موقعی که این آیه نازل شد عرض شد یا رسول‌الله آن اشخاصی که بعد از ما می‌آیند و بدل و عوض ما هستند و آن‌ها به احکام اسلامی می‌گروند چه کسانی هستند؟ موقعی که این سؤال از نبی اکرم(ص) شد حضرت سلمان پهلوی ایشان نشسته بودند. حضرت دست گذاشتند روی زانوی سلمان و فرمودند: قوم ایشان.

حضرت فرمودند که اشخاصی از طایفه این شخص می‌آیند و دین اسلام را یاری می‌کنند. بعد حضرت فرمودند: «والذی نفسی بیده لوکان الایمان منوطا بالثریا لتناوله رجال من فارس»؛ قسم به آن کسی که جان من در ید و قبضه اوست؛ یعنی قسم به خدا، قسم به ذات احدیت اگر ایمان در ثریا باشد ایرانی‌ها به آن دست مئیابند و خود را به کمال ایمان می‌رسانند. روایت دیگری است از حضرت صادق(ع) می‌فرمایند: «وان تتولوا یا معشر العرب یستبدل غیرکم»؛ اگر شما عرب‌ها عمل به وظایف شرعیه نکنید و اسلام را به نحو کمالش نپذیرید یک عده‌ای بعد از شما در آخر الزمان می‌آیند و اسلام را به حقیقت می‌گیرند و عمل خواهند کرد.

در تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان، تفسیر فخر رازی، تفسیر روح البیان و تفسیر ابوالفتح. ذکر کرده‌اند که مراد از این که یک عده‌ای می‌آیند و اسلام را احیا می‌کنند و عمل می‌کنند، جوان‌های آخر الزمان(از ایران) هستند.

در روایت دیگری است که وقتی آیه نازل شد و فرمود: «و آخرین منم لما یلحقوا بهم»؛ شما که ایمان آوردید یک عده‌ای در آخر الزمان می‌آیند و به شما ملحق می‌شوند، سؤال کردند: یا رسول‌الله چه کسانی به ما ملحق می‌شوند. حضرت دست به شانه سلمان گذاشتند و فرمودند که: یک عده‌ای هستند در آخر الزمان از طایفه این شخص؛ یعنی ایرانی‌ها و اصفهانی‌ها، این‌ها می‌آیند و اسلام را یاری می‌کنند. حضرت فرمودند: اگر ایمان در کهکشان‌ها باشد عده‌ای از عجم به آن دست مئیابند.

حضرت صادق(ع) نیز در روایت معتبری فرمودند که: حضرت حق در آخر الزمان قبل از ظهور حضرت بقیة‌الله عده‌ای را مهیا می‌کند و برای سرکوبی یهود می‌فرستد. قبل از ظهور حضرت بقیة‌الله حکومت یهود در بین حکومت‌های اسلامی باید نابود شود. این را امام صادق(ع) فرمودند. آن‌ها چه کسانی هستند که نابود می‌کنند یهود را؟ ایرانی‌ها هستند. این هم یک روایت.

آیه دیگر آیه ۵ از سوره اسراء است. در این آیه می‌فرماید: «بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید» عیاشی از امام محمد باقر(ع) روایتی نقل می‌کند که در آن پرسیده می‌شود «اولی باس شدید» چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: این‌ها از اصحاب و انصار امام زمان در آخر الزمان هستند. روایت دیگری است از حضرت صادق(ع) قریب به همین مضمون است.

حضرت سه مرتبه قسم خوردند: آن اشخاص که می‌آیند و اگر ایمان در ثریا باشد به آن دست مئیابند و یهود را سرکوب می‌کنند: «والله هم اهل قم»؛ این‌ها اهل قم هستند.

روایتی نقل شده که مفصل است. این روایت را ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه(جلد دوم، صفحه ۱۸۴) نقل کرده است. می‌فرماید که: یک روز امیرالمؤمنین(ع) در کوفه مطالبی را بیان می‌کردند و موعظه و نصیحت می‌فرمودند، در آن زمان ایرانی‌ها اطراف امیرالمؤمنین(ع) را مثل پروانه گرفته بودند. اشعث - که حکمش معلوم است از بزرگان کوفه بود- آمد و جریان را دید خیلی به او برخورد و خیلی ناراحت شد که ما عرب هستیم و از بزرگان عرب لکن این ایرانی‌ها آمده‌اند و اطراف امیرالمؤمنین(ع) را مثل پروانه گرفته‌اند. ناراحت شد و شروع کرد یواش یواش جلو آمدن که: یا امیرالمؤمنین این سرخ پوستان، یعنی ایرانیان، اطراف شما را گرفته‌اند و بر ما چیره شده‌اند و خود را بر ما فضیلت

می‌دهند. امیرالمؤمنین(ع) این کلام را که شنید ساکت شدند و چیزی فرمودند و از ناراحتی پاهای مبارک خود را به‌منبر می‌زدند. صعصعة بن صوحان که یکی از اصحاب خاص امیرالمؤمنین(ع) بود بلند شد و فرمود: یا امیرالمؤمنین گوش به‌این حرف‌ها ندهید شما مطالبی را بفرمائید که تا آخرالزمان در بین عرب و عجم مشخص باشد و شایع باشد. حضرت فرمودند: (منظورم این‌جاست) آیا امر می‌کنید شکم‌پرستان را بپذیریم و مؤمنین و متقین و این جوان‌ها را از اطراف خود دور کنیم؟ حضرت امیر به‌جوان‌های ایرانی در آن زمان افتخار می‌کرده است. بعد فرمودند: والله ایرانی‌ها شما را سرکوب می‌کنند. این هم یک روایت بود.

احمد حنبل، یکی از علمای اهل سنت، از نبی اکرم(ص) نقل کرده که حضرت فرمودند: خداوند اطراف شما را از ایرانی‌ها پر می‌کند و این‌ها چون شیرانی هستند و اهل فرار نیستند و از شما دفاع می‌کنند و دشمنان شما را نابود می‌کنند و از غنایم شما هیچ استفاده نمی‌کنند.

حافظ ابونعیم که یکی دیگر از علمای اهل سنت است، روایت دیگری است از اهل بیت که الان در نظرم نیست از کدامیک از معصومین(ع) نقل شده است. در این روایت نقل شده که از نبی اکرم(ص)، حضرت فرمودند: من به‌ایرانی‌ها بیش از شما اعتماد دارم. من به‌ایرانی‌ها بیش از شما عرب‌ها اعتماد دارم. (۸۱/۵/۱۵؛ حسنیه حضرت ابوالفضل اصفهان)

\*\*\*

ماجرای مهدی‌گرایی در ایران، در دوره دولت نهم و دهم به‌ریاست محمود احمدی‌نژاد شدت گرفت. در این زمینه، مطالب زیادی گفته شد که بیش‌تر حدس و گمان بود، اما در کل، هیچ نوع تکذیب صریحی از سوی کسانی که در پشت صحنه آن بودند یا متهم بودند که آن مباحث را تهیج می‌کنند صورت نگرفت. به‌علاوه رئیس دولت آن وقت، در این زمینه حساسیت ویژه‌ای داشت تا فکر مهدویت را در گسترده‌ترین شکل آن ترویج کند. طبعاً بحث درباره انگیزه‌های سیاسی بود و بس!

احمدی‌نژاد رئیس جمهور وقت حکومت اسلامی ایران که روی ظهور و شرایط ظهور تکیه خاصی داشت ادعا کرد، آمریکائی‌ها به‌منطقه آمده‌اند تا جلوی ظهور را بگیرند. عبارت وی این بود: درست است که این مستکبران، به‌دنبال نفت و ثروت این کشور هستند، اما در زیر همه این‌ها يك استدلال برای خود دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند. البته آن را در خبرها افشا نمی‌کنند. ما اسناد آن را به‌دست آوردیم که آن‌ها معتقدند یکی از خاندان پیامبر اکرم در این نقطه ظهور کرده و ریشه همه ظالمان عالم را خواهد خشکاند. آن‌ها همه این نقشه‌ها را کشیده‌اند که جلوی ظهور حضرت را بگیرند و می‌دانند ملت ایران زمینه‌ساز این حادثه بوده و یاران این حکومت خواهد بود. (سایت تابناک، ۱۳ آذر ۸۸ با تیترو: سند داریم که آمریکا می‌خواهد جلوی ظهور امام زمان را بگیرد).

مرور بر ادعای آن سی دی، نشان می‌دهد که همه چیز در جهان اسلام، از سوریه و عربستان و ایران مهیاست تا مقدمات ظهور اتفاق افتد. بحث از سفیانی، سید خراسانی، شعیب بن صالح و مرور بر تحولات مهم جهانی مقدمه‌ای تلقی می‌شد تا نشان داده شود علائم ظهور کاملاً تأیید کننده آن است که عن‌قرب اتفاق شگرف خواهد افتاد.

در این فیلم، نفس زکیه با آیت‌الله محمد باقر حکیم که در نجف اشرف به‌قتل رسید، شعیب بن‌صالح با محمود احمدی‌نژاد، سید یمانی با سیدحسین نصرالله، سفیانی با ملک عبدالله پادشاه اردن و... تطبیق داده شده است.

بعد تطبیق کرده‌اند که سیدخراسانی یعنی خامنه‌ای. شعیب بن صالح یعنی رئیس جمهور احمدی‌نژاد. گفتنی است که مدت‌ها پیش شادی فقیه، در کتاب «احمدی‌نژاد و انقلاب پیش رو» برای اولین بار احمدی‌نژاد را به‌عنوان یکی از یاران امام زمان در زمان ظهور معرفی کرده است و کتاب او مورد توجه سازندگان فیلم ظهور بسیار نزدیک است بوده است.

فقیه معتقد است که در هنگام ظهور امام زمان سپاه آزادی قدس، از عراق می‌گذرد. او معتقد است که بازگشت مهدی شیعه بسیار نزدیک است و ما الآن در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که آن را عصر ظهور نامیده است. او برای این دوره ۱۷ علامت ذکر می‌کند که محقق شده است. به‌باور او این علامات به‌ما می‌گوید که ما در دوره ظهور امام زمان زندگی می‌کنیم و محمود احمدی‌نژاد یکی از رهبران ارتش امام زمان است. به‌باور فقیه نصرالله هم از سرداران امام زمان است.

در سایتی که عنوان «رایحه ظهور» دارد اخبار و اطلاعات لازم و همین‌طور دیدگاه‌های اشخاص را با نگاه مثبت و هوادارانه نسبت به احمدی‌نژاد نشان می‌دهد؛ لوگوی این سایت با تصاویر خامنه‌ای، احمدی‌نژاد، نصرالله و بالای سر خامنه‌ای تصویر امام خمینی، شکل گرفته و دور نمای آن تصویر مسجد صخره در بیت‌المقدس دیده می‌شود. در یک مقاله آن که تصاویری از حمله مردم مصر به سفارت آمریکا در قاهره هم آمده (تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۹۱) و بسیار مفصل درباره روایات رایات سود و تطبیق آن بر این تحولات با عنوان «از خراسان تا بیت‌المقدس» آمده، در مقدمه‌اش می‌خوانیم: «یکی از نشانه‌ها و تحولات مهم عصر ظهور، حرکت پرچم‌های سیاه می‌باشند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه محققین آخرالزمان و منتظران ظهور در جای جای سرزمین‌های اسلامی قرار دارد. بیش‌تر توصیفات روایات در مورد این پرچم‌ها حالت تمجیدی و حمایتی داشته و مسلمانان عصر ظهور را به‌یاری این پرچم‌ها فرا می‌خواند... در این مقاله در ابتدا با ذکر اکثر روایات وارده در باب پرچم‌های سیاه، که پیرامون آن‌ها از لسان روایات وارد شده را مرور کرده و در ادامه احتمال ارتباط شگفت‌انگیز پرچمی که در آغاز حرکت سیدخراسانی برافراشته خواهد شد با پرچم اسرارآمیز امام مهدی (عج) را خواهیم دید. همچنین انواع پرچم‌های سیاه ذکر شده در روایات شریف را مورد بررسی قرار داده و خواهیم دید که ائمه اطهار (ع) با احادیث شریف علاوه بر بشارت برافراشته شدن پرچم‌های سیاه سپاه سیدخراسانی از برافراشته‌شدن پرچم‌های القاعده و طالبان در افغانستان و عراق خبر داده و آن را مذمت کرده و لعن فرموده‌اند».

در گفتار دیگری در همان سایت (۱۴ شهریور ۱۳۹۱) که مصاحبه با آیت‌الله قائم مقامی است آمده است: «با پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت امام عصر (ع) آغاز شده است». هدف این مصاحبه هدایت بحث ظهور از دل ولایت فقیه است و این که انتظار بدون آن، راه به‌جائی نمی‌برد. اما در این مصاحبه هم، بحث بر سر این است که جهان در آستانه تغییر است و دو نشانه آن به‌نوعی متمرکز روی اسرائیل و ایران است: «جهان در آستانه تحول عظیمی قرار گرفته است. شکی در این نیست که جهان در آستانه تغییر نظام عمومی واقع شده است. جهان باید عوض شود و الان علائم بسیار نیرومندی در این جهت وجود دارد. منهای علائمی که در روایات آمده از افراد و اشخاص و علائم دیگر، الان نشانه‌های بسیار قوی و قدرتمندی را در جهت ضرورت تغییر نظم داریم می‌بینیم. ما معتقدیم که دو نشانه بزرگ عصر ما همین جریانی است که الان در جهان وجود دارد. یکی جریان اسرائیل است و یکی جریان انقلاب اسلامی در ایران. یکی دولت صهیونیستی در منطقه که خودش از نشانه‌های بزرگ است این که یهود بیاید و در فلسطین تشکیل حکومت بدهد و بعد هم ادعای حکومت جهانی بکند. این خودش یک علامت بزرگ است و در برابر او یک جریان اسلامی ولائی و شیعی بیاید و دولت تشکیل بدهد و آن‌هم دولت صریح ولایت یا حاکمیت علما و فقها. این از بزرگترین نشانه‌ها برای تغییر وضعیت موجود جهان است که الان ما با آن درگیر هستیم. یعنی واقعیت اسرائیل و حکومت جمهوری اسلامی از سوی دیگر و کاملاً هم مشخص است که این دو به‌هیچ‌وجه با هم قابل جمع نیستند».

\*\*\*

داستان مهدی موعود در ایران، ریشه تاریخی دارد. یعنی هر موقع مردم دچار فقر و سرکوب و سردرگمی می شوند خرافات بیش تر رواج می یابد. مانند الان که خامنه‌ای و احمدی‌نژاد و سید نصرالله از جنگاوران امام زمان خواهند بود ریشه در خرافات جامعه ما دارد. البته این افراد جنگاوران واقعی خدا و پیامبر و امام زمان هستند که در کشتار و ترور و جنایت و تجاوز و غارت بی‌همتا هستند.

با گذشت نزدیک به بیش از هزار سال از غیبت از حوالی سال‌های ۱۲۴۰ به بعد و شاید هم زودتر، بحث ظهور امام زمان قوت گرفت. یکی از کسانی که در این باره، چندین بار در جاهای مختلف اظهار نظر کرد، رستم الحکماء بود. محمد هاشم آصف معروف به «رستم الحکماء» (۱۸) را با کتاب رستم التواریخ می‌شناسند که تاریخ طنزگونه ایران از دوره شاه سلطان حسین تا دوره فتحلی شاه است. تاریخی که نویسنده سعی کرده با ارائه ترکیبی از داستان‌تاریخ در غالب طنز، مسائل تلخ جامعه ایرانی را به نقد بکشد. بنابراین وی بین شوخی و جدی، برخی از واقعیات را که مورخان رسمی به آن نمی‌پردازند پرداخته است.

دو جنگ بزرگ میان ایران و روس؛ اولی از ۱۲۲۸-۱۲۱۸ منجر به عهد نامه گلستان و دومی از ۱۲۴۳-۱۲۴۱، منجر به قرارداد ترکمانچای شد نه تنها بخش‌های مهمی از کشور را از ایران جدا کرد، بلکه ضربه سختی به روحیه مردم ایران زد. این ضربه که در آستانه ورود به دنیای جدید و تحولات آن بود، عواقب زیان‌بار زیادی در ایران به همراه داشت. آنان که اهل تجدد بودند، و البته بسیار اندک، به سوئی رفتند، و توده‌های مردم نیز راه‌های دیگری انتخاب کردند. در این دوره آشفتگی، ظهور افرادی مانند میرزا محمد اخباری، و سپس شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی و در نهایت بر اثر تبلیغات ظهورگرایانه آن‌ها برآمدن سید علی محمد باب در یک مقطع چهل ساله، بخشی از پیامدهای این جنگ‌ها و ضربات روحی ناشی از آن در امید به ظهور و نجات شیعیان بود.

این که دولت روس چنان قدرتی دارد که کسی از عهده آن بر نمی‌آید مسأله مهمی بود. دو شکست قطعی، نشان از آن داشت که مردم ایران ضعیف شده‌اند و دولت‌شان توانایی ایستادگی در مقابل روسیه را ندارد. در این شرایط چیزی که در اذهان مردم بود این بود که چه باید کرد؟ دولتی که وارد جنگ شده، شکست خورده، هزاران کشته داده، فقر و فلاکت همه جا را گرفته، اعتماد به نفس مردمانش از بین رفته است، اکنون چه باید بکند؟ این درست شرایطی بود که بر اساس آنچه ما از ادعاهای دروغین ظهور می‌شناسیم، می‌توانیم آن را شرایط ظهور بنامیم. در این شرایط شماری از افراد که گرفتار نوعی مالیخولیای فکری در طرح دعاوی شگفت بودند یا از هوشی سرشار در شناخت اوضاع ناهنجار برخوردار بودند، شروع به طرح ادعاهائی کرده، خود را متصل عوامل هورقلبائی معرفی کرده، زمینه‌ای برای طرح بابیت و مهدویت فراهم کردند. در واقع شرایط اجتماعی کاملاً مساعد با این تبلیغات بود.

زمانی که تاریخ ایران به حوالی ۱۲۵۰ و ۱۲۶۰ نزدیک می‌شد، معنایش این بود که به هزار سال از غیبت امام زمان نزدیک می‌شویم. طبعاً بسیاری از کسانی که به دنبال فرصت بودند، به راحتی می‌توانستند از این مسأله استفاده کنند. غیبت امام مهدی در سال ۲۶۰ رخ داده بود. بنابراین اگر کسی می‌خواست زودتر اقدام کند، می‌توانست از چند سال پیش از آن این مسأله را مطرح کند.

بنابراین تا این‌جا دو مسأله مهم وجود داشت. نخست شرایط سخت شکست آن هم از دولت روسیه که هر لحظه امکان داشت، مدعی جنگ سومی شده و سرزمین‌های تازه‌ای را هم تصرف کند. دیگر شرایط مذهبی که فرا رسیدن هزاره را خبر می‌داد.

مورخی که در این دوره با تیزبینی این مسائل را دنبال می‌کند، و واقعیت و طنز و خیالات را به هم می‌آمیزد، رستم الحکماء است. وی در چند مورد به‌این بحث پرداخته و ظهور را سبب نجات ایران از دست روسیه و گرفتاری‌هایی می‌داند که ایران گرفتار آن شده است.

در این‌باره دست کم در چهار مورد سخن گفته است:

داستان سؤال و جواب حکیمانه

یک مورد در رساله «داستان سؤال و جواب حکیمانه» تألیف سال ۱۲۴۴ ق است. این متن در «مجموعه رسائل قاجاریه: ۳۵۷/۱-۳۵۶ چاپ شده است؛ اثر یاد شده خوابی است که وی طی آن دیداری با فتحعلی شاه دارد و نصایحی را به‌وی عرض می‌کند. وی ضمن مطالبی که بیان کرده، در جایی از این رساله با طرح بحث شکست ایران برابر روسیه بحث ظهور سیدی را برای نجات ایران مطرح کرده است. وی این متن را در سال ۱۲۴۴ یعنی سال صلح با روسیه آن هم پس از دو نبرد که هر دو شکست مقتضاحانه‌ای به‌همراه داشته، نوشته و گفته است که هیچ راهی برای جنگیدن با این قدرت بزرگ وجود ندارد. در واقع، شکست دادن روسیه از دست قدرت عادی سیاسی در ایران ناممکن بوده و واگذار به ظهور قریب الوقوع مهدی می‌شود. وی می‌گوید در سال ۱۲۶۰، سید عربی در حوالی نجف ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد کرده، همه شیعیان را نجات خواهد داد. به‌نظر او در این شانزده سال، درگیر شدن با روس و سرشاخ شدن با وی به‌مصلحت ایران نیست. به‌علاوه که آنان دنبال استانبول هستند و طبعاً زیاد به‌آن‌ها توجه کرد. بنابراین اگر ما این شانزده سال را به‌مسامحه و مدهانه بگذرانیم، موعود خواهد رسید و همه ما را نجات خواهد داد. در آن صورت، بی‌جهت کسی را به‌کشتن نداده‌ایم. به‌علاوه، به‌نظر وی، دولت روسیه، آن قدرها هم که گفته می‌شود بد نیست، و می‌شود با وی کنار آمد. اگر بدانیم که ظهور باب بین سال‌های ۱۲۶۰-۱۲۵۸ است، می‌توانیم حدس بزنیم که در میان عوام و توده‌های مردم و غالباً از ناحیه برخی از خواص مانند احسانی و رشتی و دیگران، مسائلی مطرح بوده است که رستم الحکماء نیز همان را دستمایه این متن خود (به‌عنوان یا جد) قرار داده است. سید کاظم رشتی از سال‌ها پیش از آن از هوادارانش می‌خواست در شهرها جست‌وجو کرده و مهدی را بیابند. اکنون عین عبارات رستم الحکماء را از داستان سؤال و جواب حکیمانه نقل می‌کنیم: پس به‌نظر عبرت شهر ری را ملاحظه فرما و ببین چگونه خراب نموده‌اند آن را. گویا آن را در هاون کوفته‌اند و بر هر آجر پاره‌اش نوشته است: «فاعتبروا یا اولی الابصار». غرض آن که موافق حساب این دعاگو از این سال هزار و دویست چهل و چهار (۱۲۴۴) تا سال هزار و دویست و شصت (۱۲۶۰) گروه بد عاقبت روس، صاحب غلبه و استیلا خواهند بود و در ایران و روم، بلکه پنج کشور دیگر هم اگر با هم اتفاق نمایند چاره ایشان را نخواهند کرد. و چون طالب قسطنطنیه (استانبول) می‌باشند، مملکت ری و عراق را تصرف نموده، به‌جانب بغداد و کوفه روند و تا کرکوک و موصل را هم به‌جنگ آورند و از جانب جنوده نامعدوده بر سر ایشان خواهد آمد و چاره ایشان نتوانند نمود و مغلوب شوند. و آن گروه بد عاقبت قصد قسطنطنیه داشته باشند و به‌این آرزوی خام نخواهند رسید. پس در سنه هزار و دویست و شصت از میان قبایل و طوایف اعرابی که در اطراف و جوانب کوفه و کربلای معلّ و نجف اشرف ساکن می‌باشند، بیرون آید نوجوان خوش شکل و شمایل، و غیور و شاعی که او را امیر مهدی نام باشد و عباپوش باشد و گروه عباپوشان به‌او متفق گردند و با آن گروه بد عاقبت، چنان محاربه عظیمه نماید که از بدو ایجاد تا آن زمان کسی ندیده و نشنیده باشد و آخر الامر در زمین مبارک نجف به‌شمشیر آبدار آتشباران جهان سالار عرب و لشگرش آن گروه بد عاقبت کلا به‌قتل خواهند رسید و آن عرب و الا‌شان و صاحب‌قران عالی حسب و هاشمی نسب و به‌جمیع علوم و فضایل و کمالات و آداب صوری و معنوی آراسته و به‌صفات حسنه و اخلاق محسنه و خصایل محموده پیراسته، و در شجاعت و سخاوت بی‌عدیل و در جود و کرم و همت بدیل و از قوم و قبیله خود قریب

به هزار سوار با تربیت شمشیر زن خنجر گذار با خود داشته باشد که در فنون سواری و پرخاش جوئی هر یکی با صد سوار رستم نبرد برابری نماید و همه با اسب و اسباب و آلات حرب گرانمایه باشند. و به علت همین جهاد اکبر و غلبه و ظرف ریافتن بر این گروه بدعاقبت روس که کشور ایران و روم از سهم ایشان متزلزل و هراسان و ترسان بود چنان شهرتی در عالم نماید که سلاطین با جاه و تمکین و خواقین و خوانین باداد و دین و ملوک روی زمین، بالطوع و الرغبه، باج و خراج و تحف و هدایا و ارمغانی به درگاه جهان پناهش خواهند فرستاد و او را به متابعت هفت کشور و جهان کدخدائی و پیشوائی قبول نمایند و تا مدت دو سال چنان کار آن بزرگوار بالا گیرد که از روی فخر و مباهات تاجداران پیاده در قفای آن شهنشاه تاج بخش خواهند دوید و ربع مسکون زیر نگین آن سلیمان نمکین سکندر آئین خواهد آمد و در زمان خیریت نشانش، گنج های بسیار و دفینه های بی شمار بروز خواهد نمود و همه را به عساکر قسمت کند و میزان عدل و انصاف در دست داشته باشد. و به سبب عدل و جود محمود و اسوه حسنه و فصل الخطاب و حسن سیاستی که جبلی ذات قدسی صفات آن زبده کائنات می باشد به هر شهر و دیاری که رو نماید استقبالش نمایند و مطیع و پیروش گردند و هفتاد و دو ملت فرمان پذیرش شوند، اصلاح ملل نماید و رواج ما انزل الله دهد و علمای با تزویر با تلبیس دنیا پرست را قتل فرماید و بدعت ها براندازد و در زمانش اغنیاء، خوار و فقرا درست رفتار با اعتبار باشند و در عهدش هر رازی زود فاش و آشکار گردد و پنهان نمی ماند. دنباله این سخن دراز است پس در این صورت، ای پادشاه! آهن سرد کوفتن چه فایده دارد؟ یعنی با این گروه بد عاقبت جنگ های با شکست بی فتح و ظفر چه حاصل دارد؟ پس، اقتضای حکمت و مصلحت ملکی آن است که این شانزده سال را به مماشات و مداهنه و ملایمت و مصالحه و مسالمة با این گروه بدعاقبت، سلوک و رفتار فرمایند و به عیب، اموال خود را تلف و خلیق را به کشتن ندهند و مشغول شوند به تهیه لشکر و تربیت ایشان به قانون حکمت. و دفع دشمنان خانگی بفرما که اکنون در هر گوشه و کناری طغیان ورزیده اند و در هم افتاده اند و ضعفا را پامال می نمایند و همدگر را می کشند. از دشمن خانگی حذر کن، ای صاحب عز و جاه و تمکین. و اگر این شانزده ساله به لطایف الحیل بر اهل ایران گذرد، غنیمت خواهد بود. ای پادشاه! گروه روس دشمنانی شیرین رفتار می باشند و به همه قسمی با ایشان می توان کردار و رفتار نمود و دشمنان سازگار می باشند در همه باب، و جان و مال و عرض خود را از تو دریغ نخواهند داشت. و صاحب رسم و راه و نظام عقلی می باشند و میزان عدل و حساب و احتساب در دست دارند. از ایشان مترس و از دشمنان خانگی در حذر باش که اگر العیاذ بالله فرصت یابند از جان و مال و عرض چیزی باقی نمی گذارند. بجز این ها، رستم الحکماء مطالبی در این باره در همین رساله دارد. از جمله آن که می گوید: «چهل سال قبل سفری به مشهد رفته و در شهر تون، ملائی را دیده که اهل دل بوده و آنجا «قصیده شرح الحوادث در مدح حضرت صاحب الامر از راده طبع خود» را «نزد آن ملا خواندم». «در حین محاورت سخن از احکام جاماسب و شاه نعمت الله برآمد. با خود داشتم و خواندم و شنیدم. و قدری از احکام خود به جهت او خواندم. شنیدم و تحسین و تصدیق نمود». سپس خطاب به فتحعلی شاه گوید: «و همه این حکمها دلالت و اشارت بر سلطنت طولانی تو ظهور حضرت قائم می نمود». (مجموعه رسائل قاجاریه: ۱/۳۶۸) سپس ملای یاد شده روایتی از کمال الدین صدوق در باره رویت صاحب الامر (ع) توسط علی بن ابراهیم بن مهزیار نقل کرده که نویسنده را به وجود آورده و خطاب به فتحعلی شاه گوید: «این حدیث معتبر و این نص صحیح چنان به حقیقت پیوسته و به صدق آمیخته که شک و ریب منافقین وانکار معاندین و غماض منکرین در آن چون آتش در آب افتاده و قیر در آتش ریخته خواهد بود، زیرا که ظهور آثارش بیش تر از آفتاب بر آسمان و وضوح نتایجش افزون تر از روز در تابستان می باشد». نویسنده در ادامه تأکید دارد که شانزده سال دیگر ظهور رخ خواهد داد: «تا شانزده سال دیگر که انشاء الله بهر کاب بوسی مولای خود جناب صاحب الامر شرفیاب شویم». آن گاه پیش بینی می کند که از اکنون که سال ۱۲۴۴ است تا شش سال دیگر که

۱۲۵۱ خواهد بود، «کار سلطنت و جهانبنیت بهتر و بالاتر گردد» اما بعد از آن «هزار بار پناه بر خدا از آخر سال ۱۲۵۰ و اول ۱۲۵۱، واقعه هایلله فتنه خیز شرانگیزی که در آن وقت و زمان صورت پذیر می‌شود...» غرض آن که شش سال دیگر آسمان به‌کامت خواهد گردید». (سیاست‌نامه‌های قاجاری، ج ۱، ص ۳۷۱-۳۶۹. داستان ملاقات با این شخص در سال ۱۲۰۰ که او را ملا اکبر معلم نامیده در پایان شمس الانوار هم که در همین سیاست‌نامه ج ۱ صص ۴۶۲-۳۷۷ چاپ شده، در ص ۴۵۵ آمده است.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی به‌شماره ۷۷۳ موجود است در آنجا اشعاری عربی درباره امام زمان و ظهور و موقعیت خود در آن وقت آورده و در پایان می‌نویسد: این رساله شیرین مقاله، پانصد (کذا در چاپی: درست: یازده چنان که در نسخ خطی ملی ش ۷۷۳) سال پیش از ظهور انور حضرت قائم آل محمد نوشته شد. سنه ۱۲۵۰. یادداشت اخیر نشان می‌دهد که نسخه دست‌بایه بوده و این سطر در آن اضافه شده است. نوع نگارش صفحات اول نسخه نیز این مسأله را تأیید می‌کند. در ادامه اشعاری درباره حمله روس‌ها آمده و این که همه گفتند مقاومت باید کرد اما عقیده من آن بود که: «به‌همان قسم که پیر بزرگوار ما جناب سید الاوصیاء علی مرتضی با معاویه مصالحه و مسالمة نمود، شهشناه ما که دم از غلامی آن جناب می‌زند با نافلیان، با امپراطور روس مصالحه و مسالمة نماید. در همین ضمیمه ادعیه‌ای هم از برساخته‌های خود درباره امام زمان (ع) به عربی طی چندین صفحه آورده است. «حضرت القائم المنتظر، صاحب الامر المقتدر، مراد اهل جمیع المذاهب و الملل...». در این‌جا رستم الحکماء اشاره به سن ۷۰ سالگی خود کرده و تاریخ ۱۲۵۱ را آورده است. همان، ج ۱، ص ۴۶۲.

اگر واقعا این متن در سال ۱۲۴۴ نوشته شده باشد، پیش‌گویی یک حادثه در سال ۱۲۵۰ که فتحعلی شاه در آن درگذشت، جالب است. جز آن که دقیقا روشن نیست که اشاره به‌مرگ وی باشد. این قبیل پیش‌گویی‌ها که فراوان توسط منجمان مطرح می‌شد، بی‌تردیدی غیب‌گویی نبود، بلکه از روی علانمی نجومی یا جاماسبی و هزارگرایانه بود که از صدتا ممکن بودی دو سه نمونه، آن هم شبیه آن، رخ بدهد. اشاره وی یا دیگران به‌ظهور در حوالی ۱۲۶۰ بدون شک مربوط به‌گذشت هزار سال از غیبت بود.

#### رستم التواریخ

احتمالا فضای ذهن رستم الحکماء شباهتی به‌فضای پست مدرن امروزی داشت. برای وی مطلبی که قصد بیان را دارد مهم است نه ظرف تاریخی و سال وقوع و جدیت در نام اشخاص. همه مطالب واقعی و غیرواقعی و در عالم تخیل ما ناظر به‌محتوا شکل می‌گیرد. کتاب رستم التواریخ که سال تالیف آن هم مشخص نیست، با اختلاف ۳۵ سال یک نمونه مهم است. در این کتاب می‌گوید: «ای بشر ابله بی‌خبر، اکنون که با تو آشنا و رفیق گشته‌ام، می‌خواهم ملت حق و منهاج مستقیم را بتو نمایم... ما علی بن ابی طالب (ع) را خلیفه بر حق محمد (ص) می‌دانیم... و بعد از امامت و خلافت علی بن ابی طالب و یازده فرزندش را پشت به‌پشت امام بر حق می‌دانیم. خصوصا امام دوازدهم حضرت قائم آل محمد که انشاءالله در سال یک هزار و دویست و شصت و دو به‌سبب غلبه کفر بر اسلام، آن‌جناب از ارض غری ظهور خواهد نمود و کفر و شرک را مغلوب و ظلم را فانی و ضلالت را معدوم و عالم را مسخر خواهد نمود و او را وزیر کهنه سالی از اهل فارس خواهد بود که مجموعه جمیع کمالات و فضائل و آداب و علوم و فنون و لموم و حکمت... خواهد بود... خواهند گفت که این پادشاه، سفیانی است و از دودمان اکابر اصفهان. شخص یک چشم بزرگ، قطور، بزرگ شکم، دلیر،... از سمت لرستان خروج نماید.... و مدت ده، دوازده سال با حضرت قائم (ع) مجادله و محاربه نماید و

آخر الامر بر دامنه کوه طور سینا به دست مبارک حضرت عیسی (ع) با عصای موسی (ع) کشته و شکم دریده خواهد شد». (رستم التواریخ: ص ۳۳-۳۲)

این عبارات از کربلا به ایران و هند تزییق می شده برای یافتن موعود. علی محمد باب نه در سال ۱۲۶۲، بلکه ۱۲۵۸ مدعی شد، آن هم در وهله نخست، نه قائم، که باب. بعد هم که قائم شد، ادعای نبوت کرد. جالب است که در پایان کتاب، گویا کسی نوشته است: «این کتاب مستطاب یازده سال پیش از ظهور حضرت خلیفه الله صاحب الامر به دست رستم الحکما غلام آن جناب نوشته شد و همان سلطان صاحبقرانی که عرب هاشمی نسب و سفاک روس و اهل انکار است و در سال هزار و دویست و شصت و دو از جانب ارض غری بیرون می آید و عالم گیر است. بی شک و شبهه صاحب الزمان همان است». (رستم التواریخ: ۴۷۶-۴۷۵). به جز اینها در تذکرة الملوک او و نیز نشاط نامه و شماری دیگر از دست نوشته های وی مطالبی در این باره آمده است.

رستم الحکماء نوعا و از قدیم الایام درباره ظهور سخن می گفته و همان طور که در بخش های قبلی آمد، همه اینها فضائی بوده که در دهه چهل و پنجاه قرن سیزدهم هجری در ایران حاکم بوده و نه سید علی محمد، که چندین نفر دیگر هم مدعی مهدویت شدند. اصولا درباره زندگی وی، سال تالیف این کتاب و ادعاهای دیگر وی درباره این که فلان کتاب را در فلان تاریخ نوشته، به هیچ روی نمی توان اطمینان حاصل کرد.

\*\*\*

نهایتا «مهدی» یک روح نامرئی یا امواج ناپیدا و تخیلی و امثال اینهاست! یعنی او وجود خارجی ندارد، با این وجود این قصه یک منبع مهم مالی برای آیت اللهها و آخوندها است.

آخوندها سرتاسر سال، در هر موقعیت این قصه پوچ و مسخره امام زمان را تکرار می کنند و به خورد مردم می دهند. این مسأله دکان کسب و کار آنهاست. علاوه بر آن که با خواندن روضه امام زمان و زیارت نامه ها، آخوندها جیب مردم را نیز خالی می کنند، دکان بزرگتر و پرسودی هم در نزدیکی قم به نام «چاه چمکران» باز کرده اند، سالی بیش از ۶ میلیارد تومان درآمد دارد. آیا مفتخوری و کلاهبرداری از این بالاتر سراغ دارید؟ بنابراین، بی جهت نیست که آخوندها با همه قدرت و توانائی خود، امام زمان تبلیغ و ترویج می کنند.

واقعا حیرت انگیز است که این آیت اللهها چه سناریوهائی برای بقای سلسله مراتب خود و دستیابی به قدرت و ثروت و مفتخوری و چپاولگری شان درست کرده اند. جالبتر آن است که با رشد و توسعه و گسترش علم و دانش بشری، هنوز هم جماعتی هستند که به این سناریوها و قصه ها باور دارند. حتی آنها یکبار نیز از خود سؤال نمی کنند این امامان و پیامبرانی که اسرار نهان و آشکار زمین و زمان را «خیلی هم دقیق» می دانند و صدها سال بعد را نیز پیش بینی می کنند چرا مثلا در غذایشان سم را تشخیص نمی دهند و یا شمشیری که بر سرشان فرود آمده را نمی توانند دفع کنند. چرا باید آیت الله و آخوندهای ریز و درشت، همچون انگلهائی از دسترنج مردم تغذیه کنند و دست به سیاه و سفید نزنند؟ چرا آخوندها در همه کشورهائی که در قدرت هستند همچون ایران، در کاخها زندگی می کنند و بخش اعظم مریدهایشان در حلبی آبادها؟! و دهها و صدها چراهای دیگر!

قصه امام زمان در ته چاه برای بیش از هزار سال، کلاهبرداری و شارلاتانیسم حکومت اسلامی و سرانش بیش نیست. این قصه خزانه درآمد، و همچنین بر قدرت ماندن آخوند و تسلط آنان بر جان، مال، زندگی و درآمد مردم یک کشور ۸۰ میلیونی است. داستان هولناک و هیولائی ظهور امام زمان که پس از ظهور، به همراه ۳۱۳ آخوند همه مردم جهان به جز مسلمانان را قتل عام خواهند کرد.

حقه‌بازی و دروغ‌گوئی، از ویژگی‌های آخوندهای حکومتی است که یکی ادعای ارتباط با اجنه را پیش می‌شکد و دیگری مدعی ارتباط خامنه‌ای با امام زمان در جمکران است! جالب است که در روایات آمده است امام زمان در چاهی در سامرا زندگی می‌کند اما مدت‌هاست که او به‌چاهی در جمکران نقل مکان کرده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- روزنامه فارس، ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶
- ۲- گفت‌وگو با وطن امروز سال ۸۹
- ۳- گفت‌وگو با وطن امروز سال ۸۹
- ۴- کتاب «آیا ظهور امام زمان نزدیک است؟»، ص ۲۴۲
- ۵- روزنامه رسالت ۱۳۶۸/۳/۲۳
- ۶- رستم التواریخ، نوشته «محمد هاشم آصف» است که با دو لقب «رستم الحکما» که پدرش به‌او داده و «صمصام الدوله» که از فتحعلی شاه قاجار دریافت داشته، خود را معرفی کرده است. این کتاب که با نثر سنگین قاجاری نوشته شده، درباره دوره‌های پایانی صفویه و استیلای افغانه و افشاریه و زندیه صحبت می‌کند. نسخه اصلی این کتاب در موزه‌ای در کشور آلمان نگهداری می‌شود.